



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱
مصادف با: ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۳۳
جلسه: ۳۴

موضوع کلی: مصادر رجالی
موضوع جزئی: رجال و فهرست شیخ
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

رجال شیخ:

از جمله مصادر اولیه رجال یکی کتاب فهرست شیخ طوسی و دیگری هم کتاب رجال شیخ است، شیخ مجموعاً سه کتاب رجالی دارند؛ یکی اختیار معرفة الرجال است که در واقع رجال کشی را تهذیب کرده که قبلاً در بحث از رجال کشی به این مسئله اشاره داشتیم، دیگری کتاب رجال و سومی هم کتاب فهرست است.

ایشان در کتاب رجال، اصحاب پیامبر(ص) و اصحاب ائمه(ع) را به حسب ترتیب زمانی جمع آوری کرده است. در مقدمه کتاب رجال این گونه آمده که این کتاب برای معرفی روات تألیف شده اما آنچه که در این کتاب دیده می‌شود صرفاً ذکر احوال شخصیه این افراد است؛ یعنی اسامی اینها ذکر شده لکن در مورد آنها هیچ مطلبی ذکر نشده که آیا این اشخاص ضعیف هستند یا تقه و آیا کتاب یا روایتی دارند یا خیر و هم چنین چیزی در مورد عقیده آنها ذکر نشده است، شاید به این جهت وارد این مقوله نشده‌اند که هدف اصلی، ذکر نام اصحاب پیامبر(ص) و ائمه(ع) بوده است و شاید وجه دیگری هم بتوان برای آن ذکر کرد و آن وجهی است که مرحوم آیت الله بروجردی فرموده‌اند. ایشان می‌فرماید شاید شیخ طوسی موفق به این کار نشده؛ یعنی ابتدا اسامی را جمع آوری کرده تا بعداً درباره آنها اظهار نظر کند لکن موفق به تکمیل این کار نشده است، البته قرینه‌ای بر این وجه وجود ندارد؛ یعنی شیخ طوسی در جایی این مطلب را نفرموده که من می‌خواهم این کار را هم انجام دهم.

به هر حال این مشکل در رابطه با رجال شیخ وجود دارد که فقط نام اشخاص ذکر شده و به وثاقت یا ضعف و صحت یا فساد عقیده آنها اشاره‌ای نشده است. بر همین اساس محقق تستری معتقد است که به این کتاب نمی‌شود استناد کرد و جز در مواردی که امامیه بودن شخص محرز باشد در سایر موارد نمی‌توان به این کتاب استناد کرد، ایشان درباره این کتاب معتقد است که مسلک شیخ طوسی در این کتاب با مسلک او در فهرست مغایر است؛ چون در رجال فقط می‌خواسته اصحاب و راویان از پیامبر(ص) و ائمه(ع) را استقصاء کند اعم از اینکه مؤمن یا منافق و یا عامی و یا امامی بوده‌اند لکن در کتاب فهرست غرض فراتر از این بوده لذا به وثاقت یا ضعف و صحت یا فساد عقیده روات هم اشاره شده است. در کتاب رجال اشخاصی مثل معاویه و عمرو بن عاص هم از اصحاب پیامبر(ص) شمرده شده‌اند یا زیاد بن ابیه و عبید الله بن

زیاد از اصحاب امیرالمؤمنین شمرده شده‌اند و هم چنین منصور دوانیقی از اصحاب امام صادق محسوب شده در حالی که در مورد هیچ کدام از این افراد مطلبی نگفته و فقط نام آنها را ذکر کرده است.^۱

این نکته را هم توجه داشته باشید که مراد از اصحاب پیامبر(ص) کسی است که ولو برای مدت کوتاهی پیامبر(ص) را درک کرده باشد و اصطلاح صحابی پیامبر(ص) به این معنا نیست که با پیامبر(ص) مصاحبت داشته باشد بلکه صرف اینکه کسی ولو برای مدت خیلی کوتاه پیامبر(ص) را درک کرده باشد از اصحاب به شمار می‌رود. اما صرف اینکه کسی صحابی پیامبر(ص) باشد دال بر وثاقت و عدالت او نمی‌شود بر خلاف عامه که معتقدند همین که شخص صحابی پیامبر(ص) باشد عدالت او را ثابت می‌کند.

از مجموع مطالبی که در رابطه با این کتاب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که کتاب رجال شیخ طوسی از حیث استقصاء اصحاب فارغ از ارزیابی آنها کتابی قابل استفاده است گرچه از این جهت هم کامل نیست؛ یعنی این گونه نیست که نام تمام صحابی حضرت رسول اکرم(ص) و اصحاب ائمه(ع) را آورده باشد اما نمی‌توانیم افرادی را که در این کتاب نام برده شده‌اند به اعتبار ذکر نام آنها در این کتاب امامی یا ثقه بدانیم لذا با اینکه این کتاب از مصادر اولیه علم رجال است خیلی مورد ارجاع واقع نشده است و فقط در این حد به این کتاب ارجاع داده می‌شود که مثلاً شیخ فلان راوی را از اصحاب فلان امام برشمرده است.

فهرست شیخ:

همان گونه که محقق تستری فرمودند بنای شیخ در این کتاب بر ذکر اسامی کسانی است که دارای اصل یا تصنیف بوده‌اند که فرق بین اصل و تصنیف را هم در جلسه گذشته اشاره کردیم. روش شیخ در این کتاب با روش او در کتاب رجال مغایر است؛ چون در این کتاب علاوه بر نام بردن صاحبان اصل و تصنیف به بررسی احوال آنها هم پرداخته است و خود شیخ در مقدمه کتاب فهرست - مقدمه به دو نحو نوشته می‌شود؛ گاهی مقدمه را در پایان کتاب و گاهی در ابتدای کتاب می‌نویسند، مقدمه‌ای که بعد از پایان کتاب نوشته می‌شود به این صورت است که این کتاب مشتمل بر این مباحث است و من در این کتاب این کارها را انجام داده‌ام ولی در مقدمه‌ای که قبل از شروع به کتاب نوشته می‌شود به این صورت است که نویسنده می‌گوید من بنا دارم در این کتاب این کارها را انجام بدهم و مقدمه‌ای که شیخ بر کتاب فهرست نوشته‌اند از قبیل قسم دوم است؛ یعنی می‌گوید من بنا دارم بعد از آن که مصنفین و اصحاب اصول را نام بردم آنچه که در مورد آنها از جرح و تعدیل گفته شده اشاره کنم - به صراحت می‌گوید: من بعد از آن که هر یک از مصنفین و صاحبان اصل را نام برده‌ام باید به آنچه که در مورد آنها از جرح و تعدیل گفته شده و اینکه آیا می‌توان به روایت آنها اعتماد کرد یا خیر اشاره کنم، هم چنین بنا دارم درباره مذهب و عقیده آن شخص که آیا موافق با مذهب حق است یا مخالف آن سخن بگویم چون

۱. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۹.

بسیاری از مصنفین و اصحاب اصول بعدها به مذاهب فاسده گرویده‌اند اگر چه کتاب‌ها و اصول آنها قابل اعتماد است چون در زمان صحت عقیده آن کتاب‌ها را تدوین کرده‌اند.^۱

محقق تستری معتقد است که شیخ نتوانست به وعده خود (که بعد از ذکر نام مصنفین و صاحبان اصل به بررسی آنها از حیث جرح و تعدیل بپردازد) درباره بسیاری از صاحبان مذاهب فاسده عمل کند و بعد مواردی را مثال می‌زند؛ مثلاً می‌گوید از جمله ابراهیم بن ابی بُکَیر که واقفی بوده و نجاشی و کشی هم به واقفی بودن او تصریح کرده‌اند در حالی که شیخ طوسی در کتاب فهرست چیزی درباره واقفی بودن او نگفته است.^۲

به هر حال ممکن است که کتاب فهرست نقایصی داشته باشد ولی بر خلاف رجال شیخ قابل اعتماد است و می‌توان به این کتاب اخذ کرد.

نکته دیگری که در رابطه با کتاب فهرست باید اشاره کنیم این است که ما گفتیم غرض از این کتاب جمع‌آوری اصحاب اصول و مصنفین بوده اما این یک غرض و غایت اصلی از تألیف این کتاب است و بالعرض این کتاب فایده دیگری هم دارد و آن این است که به طور قهری کتاب فهرست نقش مکمل کتاب تهذیب را هم پیدا کرده است؛ چون در این کتاب علاوه بر اینکه اصول و مصنفات را نام برده طرق مربوط به این اصول و مصنفات را هم ذکر کرده که فایده آن در مقایسه با تهذیب به یکی از این دو وجه آشکار می‌شود، اینکه می‌گوییم این کتاب به نوعی مکمل کتاب تهذیب است به واسطه یکی از این دو جهت است؛ یا از این جهت که شیخ طوسی در مواردی در تهذیب روایاتی را از این اصول و مصنفات نقل کرده اما در عین حال طریق خودش را به این اصول و مصنفات بیان نکرده لکن آن طریقی که در تهذیب نیامده در فهرست ذکر شده است لذا این نقص تهذیب با کتاب فهرست قابل جبران است و یا از این جهت است که گاهی شیخ طوسی در تهذیب طریقی را به این اصول و مصنفات ذکر کرده که آن طریق ضعیف است ولی در فهرست طریق دیگری را نقل کرده که آن طریق صحیح است و به استناد آن می‌توانیم آن خبر را متصف به وصف صحت کنیم. اگر به خاطر داشته باشید در بحث از اعتبار کتب اربعه و حجیت و صحت روایات آنها که سال گذشته مطرح کردیم یکی از اشکالات این بود که در کتاب تهذیب، روایات ضعیفی وجود دارد که قابل استناد نیست و با این وجود شما چگونه ادعای اعتبار همه روایات کتب اربعه را می‌کنید چون این کلام نقض می‌شود به نقل روایات ضعیف در تهذیب که ما پاسخ دادیم بعضی از روایاتی که در کتاب تهذیب طرق ضعیف دارند به طرق دیگری که در فهرست نقل شده قابل تصحیح هستند پس این هم یکی از جهاتی است که به واسطه آن می‌توان کتاب فهرست را مکمل کتاب تهذیب دانست لذا در بین کتب رجالی شیخ عمده‌ترین آنها همین کتاب فهرست است که کتاب معتبری است و به عنوان یکی از مصادر اولیه رجالی قابل استناد است.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. فهرست، مقدمه، ص ۲۵ و ۲۴.
۲. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۸.